

نگاهی به آثار جناب نبیل اکبر قائنی

باهر فرقانی

مقدمه

جناب شیخ محمد قائنی نبیل اکبر از جمله نفوس نادری است که از نظر احراز مقام علم و حکمت، بذل مجاهدت و خدمت و تحمّل زحمت و مشقت در سبیل امر حضرت احدیت در بین یاران ممتاز و معروف بوده است.

در این سطور که به قصد معرفی آثار و تألیفات جناب نبیل اکبر بر سبیل اختصار نوشته می‌شود جای آن نیست که به شرح احوال و بیان مراتب علمی آن فاضل جلیل به تفصیل پرداخته شود ولیکن نابجا هم نیست که به عنوان مقدمه و یادآوری چند سطری در این زمینه ذکر شود آقا شیخ محمد قائنی در سال ۱۲۴۴ هجری قمری در قریه نوفرست در حوالی بیرجند چشم به دنیا گشود تحصیلات ابتدائی خود را در نزد پدرش به انجام رسانید سپس در مشهد و سبزوار به تحصیل فنون حکمت پرداخت و بالاخره در نجف اشرف در دائره شیخ مرتضی انصاری وارد شد و در ردیف نفوس بسیار قلیلی قرار گرفت که در محضر آن مجتهد شهیر به درجه اجتهاد نائل گشتند.

آقا شیخ محمد قائنی پس از اطلاع از امر بدیع، به نور هدایت منور و به فرموده حضرت عبدالبهاء در تذکره الوفا «مانند دریا به جوش آمد و به مثابه نهنگ دریای عشق پرخروش گشت» آن نفس جلیل در بغداد به شرف لقای جمال اقدس ابهی فائز و به شهادت مرکز میثاق در همان تذکره نورا «چنان به هیجان آمد که شب و روز آرام نداشت» (۱)

جناب نبیل اکبر پس از بازگشت به ایران به سفرهای تبلیغی در مهد امرالله پرداخت و در اثر مجاهدات تبلیغی خود مورد حمله و هجوم علمای دین قرار گرفت عاقبت به بخارا و عشق آباد هجرت نمود و در آن نقاط به تبلیغ امرالله قیام کرد و در بخارا به ملکوت ابهی صعود نمود. الواح عدیده از قلم اعلی به اعزاز جناب فاضل قائنی، نازل شده که در میان آنها لوح مبارک حکمت را باید نام برد.

جناب شیخ محمد قائنی به نامها و القاب مختلف در آثار بهائی معرفی شده است. فاضل قائنی، نبیل اکبر و در بعضی موارد نبیل اعظم که بیشتر معرف نبیل زرنندی است. از جمله

حضرت بهاء‌الله در لوحی با خطاب «جناب نبیل اعظم علیه بهاء‌الله» می‌فرماید «سوره حکمت که مخصوص آن جناب از ملکوت بیان الهی جاری و نازل شد» (۲) که معلوم است مقصد از نبیل اعظم در این مورد نبیل قائنی بوده است زیرا مسلم است که لوح حکمت به افتخار آن نفس جلیل نازل گردیده است.

نکته‌ای که قابل تعجب و تأسف است این است که چگونه از نفس فاضل و دانشمندی چون نبیل اکبر که مراتب علمی‌اش در آثار مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مورد تأیید قرار گرفته، کتب و آثار کافی در دسترس جامعه بهائی قرار نگرفته است.

اشاراتی در الواح مبارکه و نیز در آثار نویسندگان بهائی درباره آثار فاضل قائنی موجود است که نشان می‌دهد که کتب و نوشتجات متعددی از قلم ایشان صادر گردیده است.

در لوحی به خط خادم الله این شهادت از قلم اعلی نازل شده «درباره جناب نبیل مذکور داشتید... "لیلاً و نهراً به ثنای حق و تبلیغ امرش نظاماً و نثراً ناطق بودند."» (۳)

حضرت عبدالبهاء در شرحی که در تذکره الوفا درباره نبیل اکبر مرقوم فرموده‌اند، بیان می‌فرماید که ایشان «رساله‌ای در نهایت بلاغت در اثبات امر تحریر نمود و ادله و براهین قاطعه تقریر کرد ولی در دست یاران نه. امیدم چنان است که آن رساله پیدا شود و سبب تبته علما و فضلا گردد.» (۴)

حضرت ولی امرالله نیز ضمن اشاره به رشد جامعه بهائی در عشق آباد می‌فرماید: «همچنین لازمست تأسیس مراکز جدید بهائی در بلاد شاسعه بخارا و سمرقند در قلب قاره آسیا را که در اثر خطابات و تألیفات تحریر جلیل فاضل قائنی و مبلغ شهیر و نویسنده صاحب قلم امر جناب میرزا ابوالفضائل گلپایگانی حاصل گردیده متذکر شد.» (۵)

در آثار بعضی از مورخین و نویسندگان بهائی هم اشاراتی درباره کتب و تألیفات جناب فاضل قائنی موجود است.

جناب محمد علی ملک خسروی در تألیفات خود در بسیاری از موارد از کتاب تاریخ بدیع بیانی که به وسیله فاضل قائنی تصحیح و تکمیل شده نقل قول کرده و به آن استشهاد نموده است.

در کتاب تذکره شعرای قرن اول بهائی تألیف جناب نعمت الله ذکائی بیضائی هم از آثار جناب نبیل اکبر نام برده شده که تقریباً همان‌هائی است که در کتاب مصابیح هدایت ذکر شده است. (۶)

در کتابی که به انگلیسی تحت عنوان Resurrection and Renewal به قلم آقای دکتر عباس امانت نوشته شده در متن کتاب و در قسمت کتابشناسی از یکی از این کتابها یعنی تاریخ بدیع بیانی یاد شده است. (۷)

جناب فاضل قائنی خود نیز در بعضی از مراسلاتشان به بعضی از تألیفات خود اشاره کرده‌اند از جمله از دو کتاب خود «حسامیه در عقاید حقّه» و «ناصریه در شرح حال» نام می‌برند و در مکتوب دیگر به «رساله تحفه ناصریه که فهرست سرگذشت و مصائب و بلایای وارده است» اشاره می‌کنند. (۸)

جناب عزیز الله سلیمانی در کتاب مصابیح هدایت جلد اول کامل ترین فهرست تألیفات جناب فاضل را آورده است که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد.

آثار جناب فاضل قائنی را به طور کلی به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- کتبی که قبل از تصدیق امر مبارک و بعد از آن تألیف کرده است.

۲- نامه‌هایی که به دوستان بهائی و به افراد غیربهائی نوشته است.

۳- اشعار عربی و فارسی

در زیر، ابتدا تألیفات جناب نبیل اکبر تا آنجا که در دسترس است مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و بعد نامه‌های آن فاضل جلیل به اختصار معرفی و بالاخره به آثار منظوم ایشان اشاره خواهد شد.

باید یادآور شد که دامنه مطالعات نگارنده درباره تألیفات جناب فاضل در این مقام به علت شرایط و مقتضیات موجود به قدر کافی وسیع نبوده زیرا هیچیک از کتب ایشان تاکنون در دسترس اجباء قرار نگرفته و همه آنها به صورت نسخ خطی و اصلی هنوز در اختیار خانواده‌ها و بازماندگان محترم آن فاضل جلیل باقی مانده است. در میان کتب منسوب به آقا شیخ محمد قائنی جز یک نسخه فتوکپی شده از یکی از کتب ایشان یعنی تاریخ بدیع بیانی موجود در مرکز جهانی چیز دیگری در دسترس نگارنده نبوده.

در معرفی کتب جناب فاضل قائنی ابتدا فهرستی از آنها به اقتباس از مصابیح هدایت به شرح زیر نقل می‌شود. (۹)

۱- کتابی در جواب اسئله امتحانیّه شیخ مرتضی و سایر علما.

۲- رساله کشف الاحجاب معروف به حسامیه که در دست نیست.

۳- رساله تحفه ناصریه به فارسی.

۴- رساله در اثبات امر که احتمالاً همانست که در تذکره الوفا حضرت عبدالبهاء اشاره فرموده‌اند که در دست نیست.

۵- اشعار عربی و فارسی و همچنین نوشتجات دیگر.

۶- تصحیح تاریخ مانکجی که میرزا حسین همدانی به امر مانکجی زرتشتی به رشته تحریر درآورده و بنا به امر حضرت بهاءالله جناب فاضل آن کتاب را تصحیح نموده است. این کتاب که به نام تاریخ بدیع بیانی معروف شده تنها کتابی است که از جناب فاضل قائنی در دسترس است.

کتاب تاریخ بدیع بیانی

معرفی کتاب:

عنوان اصلی و کامل این کتاب در مقدمه نسخه موجود عبارت است از «تاریخ بدیع بیانی که در ظهور رحمانی و یوم موعود در کتب آسمانی تألیف و تصحیح شده.»

تاریخچه تألیف کتاب:

حاجی میرزا جانی (۱۰) در اواخر ایام حیاتش به نوشتن تاریخی درباره وقایع دوره حضرت باب پرداخت حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه به این حقیقت اشاره

فرموده‌اند «حاجی میرزا جانی شهید چند جزوه تاریخی نوشته بود ناتمام مختصر... گویا به خط خود حاجی میرزا جانی بود...» (۱۱)

از طرف دیگر مانکجی صاحب که در آن ایام با سمت سرپرستی زرتشتیان ایران در ایران می‌زیست از میرزا حسین همدانی (۱۲) که شخصی ادیب و منشی مانکجی صاحب بود، خواست که کتابی در تاریخ حالات بابیه تصنیف کند. میرزا حسین خان، هدایت جناب ابوالفضائل را خواستار شد و جناب ابوالفضائل هم به طوری که خود اظهار کرده‌اند (۱۳) میرزا حسین را به استفاده از تاریخ حاجی میرزا جانی در تصنیف خود هدایت نمود.

میرزا حسین به هدایت جناب ابوالفضائل به نوشتن تاریخ مبادرت کرد ولی مانکجی اصرار داشت که تغییراتی در آن بدهد که با نظریات خود مؤلف موافق نبود زیرا مقصد اصلی میرزا حسین خان تصحیح و تکمیل کتاب حاجی میرزا جانی بود.

این کتاب بعداً به استناد مصابیح هدایت به دستور حضرت بهاء‌الله توسط جناب فاضل قائنی تصحیح و تکمیل شده و به نام تاریخ بدیع بیانی موجود است. (۱۴)

همچنانکه ذکر شد یک نسخه از این کتاب حال در کتابخانه مرکز جهانی بهائی موجود است که در تهیه این یادداشتها مورد استفاده نویسنده قرار گرفته است این نسخه موجود در مرکز جهانی نسخه فتوکپی شده از یک نسخه خطی است و متأسفانه معلوم نیست که چه وقت و کجا و از روی چه نسخه‌ای فتوکپی شده است و احتیاج به تحقیق بیشتر دارد. به نظر می‌رسد نسخه‌های دیگر هم باشد که با هم اختلافات عبارتی دارند.

تاریخ بدیع بیانی به قطع معمولی و در ۴۹۶ صفحه تنظیم شده و هر صفحه آن در ۱۲ سطر ترتیب یافته است. (۱۵) عناوین فصول و مطالب در حاشیه بسیاری از صفحات با حروف درشت‌تر نوشته شده که خواننده را در یافتن مطالب تا حدودی کمک می‌کند. این کتاب طبیعتاً مانند کتب قدیم فاقد فهرست مطالب و فهرست اعلام است.

نام مؤلف:

این کتاب به طوری که ذکر شد به نظر می‌رسد که توسط میرزا حسین همدانی با استفاده از تاریخ حاجی میرزا جانی نوشته شده و بعداً به همت جناب فاضل قائنی تصحیح و تکمیل گردیده است.

بهرحال مصحح این کتاب جناب فاضل قائنی است که در این کتاب خود را با عنوان مصحح تاریخ نبیل اهل عالین معرفی می‌کند که به نظر می‌رسد منظور از عالین قاین است که از نظر ارزش عددی حروف ابجد هر دو مساوی و معادل ۱۶۱ هستند. (۱۶)

- فاضل قائنی در صفحات دیگر کتاب هم با عبارات مختلف از قبیل «مصحح تاریخ گوید» (۱۷) «این بنده مصحح تاریخ، نبیل اهل عالین» (۱۸) خود را به عنوان مصحح کتاب معرفی می‌کند.

در خاتمه کتاب هم درباره تصحیح کتاب چنین می‌نویسد:

مصحح تاریخ، فقیر مسکین نبیل اهل عالین عفی الله عنه گوید بعد از ملاحظه این نسخه شریفه در مقام تصحیح و تلخیص این نسخه برآمده پاره از زواید و ظنونات و قیاسات که اساطیر اولین و مبتنی بر وهم و گمان و تخمین بود و برخی از اشعار زاید بعبده المناسبه را

محو و شطری از اطلاعات و مستحضرات خود را در ایام سیر و مجاهده که متیقن و معلوم بود اثبات نمود، به اضافه بعضی از دلایل و بیانات و اشارات اثباتیه و تزییف پاره موهومات و مجعولات نفسیه. رجاء از متبصرین و منصفین اخوان و ناظرین با امعان آنکه نسخی را که پیش از آن تصحیح نوشته شده به کلی محو یا از روی این مصحح قلمزده تصحیح کنند و نسخ جدید را هم از روی این نسخه استکتاب فرمایند تا مطبوع طبایع لازمة الاتباع و محبوب اسماع اهالی همه اصقاع گشته مقبول عقلا و ملل و منظور بزرگان و دانایان همه دول گردد. (۱۹)

در متن این کتاب در موارد عدیده در شرح و تفصیل وقایع تاریخی از حاجی میرزا جانی نقل قول شده از جمله شرح تصدیق جناب باب الباب (۲۰) و داستان ورود اصحاب به قلعه طبرسی (۲۱) در شرح شهادت و دفن جسد جناب قدّوس و بسیاری موارد دیگر در صفحات مختلفه این کتاب.

تاریخ تألیف یا تصحیح:

درباره تاریخ تألیف یا تصحیح کتاب تاریخ بدیع بیانی در متن خود کتاب اشاراتی موجود است. در ص ۵۲ تصریح شده «حال که سنه ۱۲۹۹ است». در محل دیگر از کتاب مذکور است «و هنوز که قریب چهل سنه می گذرد یوم فیوم در دین خود محکم تر و در ایشار جان حریص تر شدند» که ظاهراً اشاره به گذشت ۴۰ سال از بدایت ظهور امر بدیع یعنی سال ۱۳۰۰ است در مقام دیگر پس از شرح وقایع قبل از شهادت حضرت باب در بیان استقامت مؤمنین اولیه می نویسد «تا بحال سی و پنجسال می گذرد تقریباً که علی الاتصال مورد... قهر و غضب اعلیحضرت شهریار و متحمل انواع اذیت و آزار علمای هر دیارند» (۲۲) که باز با سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ می توان تطبیق کرد.

در خاتمه کتاب، تاریخ تصحیح سنه بء از واحد ثالث ذکر شده که مقصد سال دوم پس از انقضای دو واحد یعنی ۳۸ سال از ظهور امر می باشد که باز هم مؤید سال ۱۳۰۰ است از مجموعه این اطلاعات می توان نتیجه گرفت که این کتاب در حدود سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ (۱۸۸۳-۱۸۸۴ میلادی) تألیف شده است. زبان این کتاب فارسی است ولی اشعار و آیات احادیث زیادی به لسان عربی در آن نقل شده است.

موضوع اصلی کتاب:

همانطوری که از نام کتاب پیداست موضوع اصلی آن شرح تاریخ دور بیان است ولی در عمل تنها به ذکر وقایع تاریخی اکتفا نشده بلکه تجزیه و تحلیل وقایع هم مورد نظر بوده و نیز در موارد مقتضی به استدلال درباره حقایق امر بدیع هم پرداخته است.

سبب نوشتن و تصحیح کتاب:

مطالبی که در صفحات اولیه کتاب درباره سبب تحریر آن دیده می شود به نظر می رسد از قول مانکجی صاحب باشد که خود را شخصی بیطرف و محقق معرفی می کند و با مشاهده مظالمی که بر بایان وارد می شده به قول خود محض حب بنی نوع و دلسوزی، از شخصی که به نظر می رسد میرزا حسین همدانی باشد خواهش می کند شرحی درباره وقایع ظهور امر

بدیع و استدلال در حقانیت آن بنویسد و بعد دیدیم که میرزا حسین همدانی به هدایت جناب میرزا ابوالفضائل و با استفاده از تاریخ حاجی میرزا جانی به نگارش آن می‌پردازد.

سبک نگارش:

جز قسمت‌های ابتدائی کتاب که به نظر می‌رسد به وسیله میرزا حسین همدانی ولی به دستور مانکجی صاحب تنظیم شده بقیه از نظر سبک نگارش یکدست و هموار به نظر می‌رسد.

به طوری که قبلاً ذکر شد این کتاب علاوه بر شرح وقایع تاریخی دور بیان حاوی مطالب زیادی در اثبات ظهور امر بدیع و تجزیه و تحلیل وقایع تاریخی است.

در شرح مطالب تاریخی به زبان ساده اکتفا شده ولی در استدلال به حقانیت امر بدیع عبارات از صلابت و متانت فوق العاده برخوردار است از جمله در مقامی چنین می‌نویسد:

و اما مطلب دیگر آنکه مظهر امر ربّانی و مطلع وحی رحمانی امروز در میان ملل و ادیان و بجوهر امکان ظاهر گشته و به قدرت و سلطنت الهیه امر خود را تبلیغ فرموده و بزرگان ملل و سلاطین دول را به منهج مستقیم و دین قویم دعوت فرموده و چرا... در تحقیق امرش تفحص ننمودید و در مقام تجسس نبودید تا از حسیض شک به سموات ایقان و از درکات اضطراب به مدارج اطمینان مرتقی شوید. ای معشر علما چرا منع می‌کنید مردم را از مشرب عذب الهی و سدّ می‌کنید ناس را از صراط مستقیم ربّانی. حق را به باطل می‌پوشید و دین را به دنیا می‌فروشید، انصاف دهید که با آنکه خداوند است مقتدر علی الاطلاق و اوست مالک انفس و آفاق آیا ممکن است که صبر کند و حلم ورزد که کسی به باطل مدعی ولایت گردد و به کذب دعوی ربوبیت نماید تا آنکه قلوب منیره به این حد منجذب او شوند که دیدید و عقول رفیعه به این شدت منصعق او گردند که شنیدید. (۲۳)

جواب تهمت‌های واهی و بی اساس هم با عبارات ساده داده شده مثلاً مسئله افسون کردن با خرما و چای که مؤمنین را در آن ایام به آن متهم می‌کردند با این عبارات ساده ولی مقنع جواب داده شده است:

به دلیل آنکه اگر این نسبت و قول ایشان مقرون به صدق بود مگر این طایفه را ممکن نبوده و نیست که بارهای خرما بخرند و افسون کنند و به اصناف بفروشند و یا آنکه قهوه‌خانه‌ها باز کنند و مجلس‌های ضیافت و روضه‌خوانی ترتیب دهند و در قلیل مدتی بدون قیل و قال و اینهمه بذل جان و مال جمیع عالم را بایی و داخل در طریقه خودشان نمایند و حال آنکه پیروان این طریقه و ره‌سپران این عقیده تا کسی را بالفطره مستعدّ و در نهایت جدّ مجاهد و در مقام طلب فوق العاده مصر و طالب نبینند و لایق و قابل ندانند ابدأ به او اظهار مطلبی نمی‌کنند تا چه رسد به آنکه در مجالس و محافل خود راه دهند. (۲۴)

شیوه خاصی که در زمینه استدلال در این کتاب به کار برده شده تصویر سؤال و جواب به صورت جلسات محاوره با علمای معروض و نقل صورت مجلس مباحثات می‌باشد.

- رسم الخطّ متن این کتاب طبیعتاً به رسم فارسی قدیم است مثلاً کلماتی مانند برخاستن و خاطر که در فارسی امروزی بدون واو نوشته می‌شود در این کتاب با واو نوشته شده است.

- بعضی کلمات فرنگی اغلب با تلفظ فرانسه ولی به حروف فارسی در متن کتاب وارد شده مثلاً سویلیزه برای متمدن، پولتیک به معنی سیاست و حکمت و شمندفُر برای راه‌آهن.
- نقل احادیث اسلامی در موارد کثیره و استفاده از اشعار مناسب مقال در موارد بسیار زیاد یکی دیگر از شیوه‌های خاص مورد استفاده در این کتاب است.

فهرست کلی مطالب کتاب:

مذمت تقلید و بیان شرایط تحقیق، تصویر اوضاع آشفته ایران و شرح تعصبات و خرافات موجود در ایران، ذکر مخالفت علمای دین با ترقی ایران و تحسین پیشرفت‌های حاصله در عالم غرب «فرنگستان» در حدود ۵۰ صفحه از صفحات اولیّه کتاب را در بر می‌گیرد.

موضوع اصلی این کتاب تاریخ دور بیان از اظهار امر حضرت ربّ اعلی تا شهادت آن نقطه اولی است که در طی آن واقعه هائله مازندران در قریب ۱۰۰ صفحه، واقعه خطیره نیریز در حدود ۳۰، صفحه واقعه مؤلمه زنجان در حدود ۱۰ صفحه و هنگامه شهادت شهدای سبعة طهران در تقریباً ۵۰ صفحه تصویر شده و در ۱۵۰ صفحه بعدی اسفار حضرت باب پس از مراجعت از سفر مکه که بالاخره منتهی به سرگونی آن مظلوم عالم به جبال آذربایجان شد به رشته تحریر درآمده است.

تجزیه و تحلیل وقایع تاریخی، استدلال حقانیت امر بدیع الهی و انتقاد از علمای سوء مذهبی از مطالبی هستند که در ضمن تصویر وقایع تاریخی و در صفحات باقیمانده کتاب در هر موقع مقتضی مورد بحث قرار گرفته است.

در زمینه استدلال، استقامت مؤمنین اولیّه در برابر تضییقات و نثار جان در میداین شهادت به عنوان دلیل محکمی برای اثبات حقانیت امر بدیع معرفی شده، احادیث و اخبار اسلامی فراوان در استدلال به ظهور امر بدیع ارائه گردیده و اتهامات وارده بر امر بدیع رد شده است. شرح جلسات محاوره با علمای دین و نقل صورت مجلس مباحثات این جلسات به شیوه خاصی در چند موضع از این کتاب به تفصیل آمده است.

از فساد علمای سوء در بسیاری از صفحات کتاب به صراحت انتقاد شده ولیکن مقام علمای واقعی مورد تحسین قرار گرفته است. نویسنده در اینجا علما را به سه دسته تقسیم می‌کند؛ اول علمای عالم و عامل؛ دوم علمای بی عمل ولی بی ضرر؛ سوم علمای بی عمل و مفسد که به عکس آنچه می‌گویند عمل می‌کنند. نویسنده توضیح می‌دهد که هر کجا در این کتاب انتقاد از علما شده مقصد دسته سوم بوده است و در همین مقام علمای واقعی را مورد تحسین فراوان قرار می‌دهد. (۲۵)

شرح بعضی نکات کوچک در حاشیه وقایع مهم که در تواریخ دیگر کمتر دیده می‌شود، یکی دیگر از مشخصات این کتاب است. چند نمونه زیر از جمله این نکات است.

طرز غذا خوردن اصحاب دور هم در ایام اولیّه واقعه شیخ طبرسی (۲۶)

تشکیل جلسات تزئید معلومات در قلعه طبرسی برای بالا بردن سطح عرفان اصحاب (۲۷)

ترتیب انتظام امور در واقعه زنجان (۲۸)

اشاره به قانون انگلیس در مورد حکم اعدام که اگر مجرم در هدف‌گیری اول مورد اصابت تیر قرار نگیرد، بخشیده می‌شود. (۲۹)

داستان اشتباه علمای شیراز در تشخیص خطبه حضرت رضا از خطبه حضرت باب (۳۰) تجزیه و تحلیل وقایع تاریخی مثلاً بحث در علل غلبه اصحاب بر نیروهای نظامی در مدافعات طبرسی و نیریز و زنجان و استدلال به استقامت مؤمنین در حقانیت امر بدیع نیز در این نوشته انجام گرفته است.

از اشعار شعرا به کثرت و به تناسب موضوع گاهی با ذکر نام شاعر و زمانی بدون معرفی سراینده شعر استفاده شده است.

درباره علمای سوء این شعر از حافظ نقل شده است:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند چون بخلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
یا رب این نودولتان را بر خرخودشان نشان کاین همه ناز از غلام و اسب و استرمی‌کنند
گوئیا باور نمی‌دارند روز داوری کاین همه قلب و دغل در کار داور می‌کنند (۳۱)

درباره شهادت از یک شاعر ناشناخته آمده است:

آنکه اندر مرگ بیند صد وجود همچو پروانه بسوزاند وجود
آن گروهی که رهیدند از وجود چرخ و مهر و ماهشان آرد سجود
آنکه مردن پیش چشمش تهلکه است نهی لاتلقوا بگیرد او بدست
آنکه مردن پیش او شد فتح باب سارعوا آید مر او را در خطاب
اولیا را تنگ آمد این جهان چون شبان رفتند اندر لامکان
در هوای عشق حق رقصان شدند همچو قرص بدر بی نقصان شدن (۳۲)

درباره معجزات به این شعر از مولوی استشهاد شده است:

معجزه جست از نبی بوجهل سگ لیک نفزودش بدل الا که شک
موجب ایمان نباشد معجزات بوی جنسیت کند جذب صفات
در دل هر امتی کز حق مزه است روی و آواز پیمبر معجزه است (۳۳)

فهرست جامع مطالب کتاب تاریخ بدیع بیانی در جریان این مطالعه به وسیله نگارنده برای تسهیل مطالعات احتمالی آینده تهیه شده و موجود است.

بعضی اختلافات تاریخی تاریخ بدیع بیانی با تواریخ دیگر بهائی:

در تاریخ بدیع بیانی بعضی مطالب تاریخی ذکر شده که با آنچه که تاکنون در تواریخ دیگر بهائی دیده شده مختلف و متفاوت است و در اینجا به بعضی از مهمترین آنها اشاره می‌شود و مطالب مندرجه در آن با تواریخ دیگر بهائی مانند مقاله شخصی سیاح حضرت عبدالبهاء - تویق قرن حضرت ولی امرالله و تاریخ نبیل زرنندی و منابع معتبر دیگر مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

۱- کیفیت ملاقات حضرت باب با ملاحسین و چگونگی تصدیق او:

در تاریخ بدیع بیانی شرحی که حاجی میرزا جانی از میرزا عبدالوهاب خراسانی درباره تصدیق جناب ملاحسین شنیده ذکر شده است. (۳۴)

این روایت اولاً اشاره به آشنائی قبلی بین حضرت باب و ملاحسین می‌کند،

ثانیاً حاکی است که ملاحسین خود پس از ورود به شیراز مستقیماً به منزل حضرت باب رفته و ذکری از ملاقات آن دو در دروازه شهر در بین نیست.

ثالثاً این روایت حاکی است که فوز به ایمان در طی چند روز حاصل شده است. شرح تاریخ نبیل با این روایت متفاوت است از مطالعه تاریخ نبیل چنین بر می آید که ملاقات ملاحسین با حضرت باب تصادفی بوده، ملاقات اولیّه در خارج شهر انجام گرفته و ملاحسین در همان شب اول تشرّف به فوز ایمان نائل گردیده است. (۳۵)

بیان حضرت ولی امرالله در قرن بدیع هم تأیید تاریخ نبیل را می کند که ملاقات برحسب تصادف در خارج از شهر واقع شده و فوز به ایمان در همان شب ملاقات انجام گرفته است. (۳۶)

در کتاب «حضرت باب» به استناد نوشته ایادی امرالله جناب ابن اصدق چنین ذکر شده که حضرت باب در کربلا با جناب ملاحسین از نزدیک روبرو گشته اند ولی ملاحسین ظاهراً حضرت باب را بیاد نمی آورده است. (۳۷)

فاضل مازندرانی در کتاب ظهور الحق پس از شرح داستان ایمان ملاحسین بر طبق تاریخ نبیل شرح مفصلی هم از قول حاجی معین السلطنه تبریزی به نقل از کتاب ابواب الهدی تألیف فاضل هشترودی می آورد که هم با تاریخ نبیل و هم با تاریخ بدیع بیانی متفاوت است. (۳۸)

عبّاس امانت کیفیت تصدیق ملاحسین را نامعلوم می داند و طبق روایتی ذکر می کند که ملاحسین به هدایت خادم حبشی حضرت باب را ابتدا در یک کاروانسرا ملاقات می کند و بعد از آنجا در خدمت حضرت باب به منزل آن حضرت می روند. (۳۹)

۲- داستان مؤمن شدن جناب وحید دارابی:

هم تا حدودی با تواریخ دیگر تفاوت دارد از این جهت که به جریان مأموریت ایشان از طرف محمد شاه برای تحقیق درباره امر حضرت باب اشاره نمی کند بلکه محرک اصلی در تحقیق را کسب تکلیف مردم از ایشان معرفی می کند. (۴۰)

در مقاله شخصی سیّاح حضرت عبدالبهاء انتخاب جناب وحید را از طرف محمد شاه برای تحقیق درباره ادّعای حضرت باب تصریح می فرمایند (۴۱) حضرت ولی امرالله هم اعزام وحید را از طرف شاه برای تحقیق تأیید می نمایند (۴۲) شرح تاریخ نبیل هم مدّلاً بر این مطلب است (۴۳) تاریخ ظهورالحق هم به همین مطلب اشاره می کند. (۴۴)

۳- در تاریخ بدیع بیانی اشاره به ملاقات حضرت باب با حضرت بهاءالله:

در قریه خانق نزدیک قریه کلین هنگام عزیمت به آذربایجان شده است که با آنچه که در آثار مبارکه (۴۵) دیده می شود تفاوت دارد. (۴۶)

نبیل اعظم در تاریخ نبیل ضمن شرح خاطرات تشرّف خود به حضور حضرت بهاءالله در سال ۱۳۰۶ بیانات شفاهی جمال اقدس ابھی را که درباره انجمن بدشت و جریان مذاکره با «رئیس ملاهای آمل» است نقل کرده که می فرمایند «مشارالیه از ما درباره ادّعای حضرت باب سؤال کرد ما گفتیم اگر چه با حضرت باب ملاقات نکرده ایم ولی محبت شدیدی به او داریم.» (۴۷)

حضرت عبدالبهاء مبین منصوص آثار حضرت بهاء‌الله در لوحی صریحاً بیان می‌فرمایند که «جمال قدم روحی لاجبانه الفداء با حضرت اعلی روحی له الفداء برحسب ظاهر ملاقات نفرمودند.» (۴۸)

۴- جریان مجلس ولیعهد در تبریز:

در تاریخ بدیع بیانی در شرح مجلس ولیعهد ذکری از حضور ولیعهد در مجلس محاکمه نشده و از سایر حاضرین در آن مجلس هم نام برده نشده است. (۴۹) حضرت عبدالبهاء در مقاله شخصی سیاح به حضور ولیعهد نه به تصریح بلکه به تلویح اشاره می‌فرمایند (۵۰) در قرن بدیع ترجمه God Passes By حضرت ولی امرالله (۵۱) و تاریخ نبیل زرنندی (۵۲) حضور ناصرالدین میرزا ولیعهد در مجلس محاکمه تصریح شده و در ظهورالحق هم حضور ولیعهد ذکر گردیده است. (۵۳)

تاریخ بدیع بیانی جلوس حضرت اعلی را در ذیل مجلس ذکر می‌کند. (۵۴) در مقاله شخصی سیاح به محل جلوس حضرت باب اشاره نشده (۵۵) ولی در قرن بدیع جلوس در محل ولیعهد ذکر شده است (۵۶) در تاریخ نبیل مذکور است که حضرت باب در محلی که برای ولیعهد تهیه شده بود، جلوس فرمودند (۵۷) ولی در صفحات بعد از قول شیخ حسن زنوزی آمده که حضرت باب میان ملامحمد و ولیعهد جالس شدند. (۵۸) در کواکب الدرّیه به جلوس حضرت باب در ذیل مجلس اشاره شده (۵۹) در کتاب حضرت نقطه اولی تألیف محمد علی فیضی حضور ولیعهد تصریح و به جلوس حضرت باب در بالای مجلس نزدیک محل جلوس ولیعهد اشاره شده است (۶۰) عباس امانت به حضور ناصرالدین میرزا در مجلس ولیعهد اشاره می‌کند و اضافه می‌نماید که ولیعهد حضرت باب را به جلوس در نزدیکی خود دعوت نموده است. (۶۱)

۵- جریان شهادت حضرت اعلی:

تاریخ بدیع بیانی حاکی است که شهادت حضرت نقطه اولی پس از سه بار شلیک گلوله واقع شده است (۶۲) در حالیکه در مقاله شخصی سیاح حضرت عبدالبهاء تأثیر گلوله‌ها را در شلیک دوم تصریح فرموده‌اند (۶۳) و حضرت ولی امرالله نیز در لوح قرن اجبای امریک شهادت در اثر شلیک ثانی را تأیید می‌فرمایند. (۶۴)

تاریخ نبیل تصریح می‌کند که شهادت در اثر شلیک ثانی واقع شده است. (۶۵) در کتاب نقطه اولی تألیف محمد علی فیضی (۶۶) و کواکب الدرّیه هم وقوع شهادت پس از شلیک دوم تصریح گردیده است. (۶۷)

این چند فقره از تفاوت به عنوان مثال ذکر می‌شود ممکن است تفاوت‌های دیگر هم موجود باشد که احتیاج به صرف وقت بیشتر و تحقیق بیشتر دارد.

معرفی بعضی از نامه‌های فاضل قائنی:

به طوری که از مطالعه شرح احوال جناب فاضل قائنی بر می‌آید این شخص جلیل علاوه بر تألیف کتب عدیده که به عناوین بعضی از آنها اشاره شد و تصحیح کتاب تاریخ بدیع بیانی، نامه‌هایی هم در مواضع و مواضع مختلفه به بعضی افراد نوشته است.

متن بعضی از این مراسلات در کتاب مصابیح هدایت بعضی به صورت کامل و برخی به طور ناتمام نقل گردیده است. در اینجا نظری به اختصار به این مراسلات می‌شود چه که به نظر می‌رسد با مطالعه این نامه‌ها حالات و روحیات و سبک نگارش آن فاضل جلیل بر ما بیشتر آشکار می‌شود ولی قبل از معرفی آن نامه‌ها شاید لازم باشد مقدمه کوتاهی درباره سابقه بعضی از این نامه‌ها ذکر شود.

به طوری که شرح احوال جناب فاضل قائمی نشان می‌دهد ایشان پس از ایمان به امر مبارک سفرهای بسیاری در ایران و سایر ممالک شرق نموده و در تمام این سفرها به کمال جرأت و شجاعت به تبلیغ امر مبارک قائم بوده است و به همین سبب اغلب مورد اذیت و آزار معاندین امر بوده و به ناچار از شهری به شهری نقل مکان می‌کرده است.

از جمله وقتی در صفحات خراسان سفر می‌کرد، نیت داشت که به طبرس برود، چون حکمران آن شهر به نام عمادالملک از ایشان دعوت کرده بود که از آن شهر دیدن کند ولی وقتی علما از جریان امر باخبر شدند سر و صدایشان بلند شد و حکمران ناچار شد به جناب فاضل پیغام دهد و از ایشان خواهش کند که از ورود به آن شهر خودداری کند (۶۸) این امر که در حقیقت فسخ دعوت قبلی بود بر فاضل خیلی گران آمد و نامه‌های سختی به صورت گله و شکایت به حکمران و سه تن دیگر از بزرگان شهر نوشت.

در نامه به عماد الملک، فاضل قائمی به صراحت تمام مراتب گله خود را اظهار و به جرأت و شهامت کامل از «ابتلائات لاتحصی که از مقتضیات نفوس غافله و دولت باطله است» شکایت می‌کند. (۶۹)

در نامه دیگر آقا شیخ محمد قائمی، آقا محمد رضا عالم طبرس را مخاطب قرار داده است. این شخص حاکم شهر را بر علیه فاضل تحریک کرده و به او پیغام داده بود که «چنانچه فلانی به طبرس بیاید حکم به چنین و چنان خواهم نمود». فاضل در این مکتوب مخاطب را به خاطر این بی‌احترامی مورد ملامت قرار می‌دهد و از تبعیت ایشان از دیگران «به جهت حفظ ریاست یکروز و نیم عمر گنبدیده دنیای فانی» اظهار حیرت و تعجب می‌کند و در خاتمه نامه عالم طبرس را به خلوص نیت و عمل صالح نصیحت می‌نماید. (۷۰)

مکتوب دیگر از یزد به میرزا آقا بابای صاحب کار نوشته شده، در این مراسله آقا شیخ محمد با اشاره به فسخ دعوت قبلی که برای ورود به شهر داشته بیان می‌کند که دوستانش تا وقتی «به منصب و جاهی» نرسیده بودند به ملاقات یاران مشتاق بودند ولی بعد از آنکه «به منصب خلقی» رسیدند دوستان را «بدورباش تحذیر و سهام تغیر» استقبال می‌نمایند و چنین نتیجه می‌گیرد که «چه خوبست که هرگز اهل ایمان به منصبی نرسند و به جاهی راه نیابند» و ضمن مناجات زیبا و مفصلی از خدا می‌خواهد که «الهی هرگز مذاق دوستان را حلاوت جاه نچشانی و بر هیاکلشان قمیص عزّ نپوشانی... تا از مستی غرور برهند و از خواب غفلت بجهند» (۷۱)

در میان این دسته از مراسلات نامه دیگری است که به کربلائی حسین نامی مرقوم شده. در این نامه فاضل قائمی ضمن ابراز تأسف از منع ورودش به طبرس، عبارتی به عربی به این

مضمون نوشته که او مثل باران می‌ماند که با تاریکی و رعد و برق می‌آید و مردم از ترس چشمها و گوشهایشان را می‌بندند. (۷۲)

نبیل اکبر در مکتوبی به جناب مشیر، پس از شرح اوضاع آشفته دولتیان و توسعه فساد و شرارت مدعیان بیان می‌کند که چرا به پیروی از سنن مرسلین فرار را بر قرار و استتار را بر اجهار ترجیح داده و نپسندیده است که «دامن عصمت و معدلت حضرت ظل الله روحی و روح العالمین فداه علی العمیا آلوده به خون و اذیت این مظلوم بی گناه گردد.» (۷۳)

در میان این مکاتیب نامه مفصلی موجود است که آقا شیخ محمد قائنی به «حرف شیخ» نوشته و در آن ضمن بیان این حقیقت که اولیای الهی همیشه در معرض بلا و مصیبت بوده‌اند به کوشش‌هایی که دشمنان امر برای اطفاء سراج الهی می‌کنند اشاره می‌کند و مصائب و بلاهایی را که خود از دست معاندین کشیده توضیح می‌دهد و بعد این سؤال را مطرح می‌نماید که «این همه غوغا و خوف و اضطراب دولت و ملت‌ی با اینهمه جیوش و اسباب و عساکر و کرور کرور افندیان و اصحاب محاریب و منابر و بیوت لاتحصی مملو از کتب و دفاتر از این شخص ضعیف که همه حالاتش را ملاحظه فرموده‌اند از قوت و قدرت و اهل و طایف و دولت به چه سبب است. نه رستم دستانم و نه پهلوان پهلوانان، نه اسفندیار روئین‌تم و نه افراسیاب و تهمتن» و بعد دلایل و امکانات مختلفی را که ممکن است سبب این ترس و خوف گشته باشد، یک یک بر می‌شمارد و همه را مردود می‌شناسد و بالاخره توصیه می‌کند که علمای امت «دست از ادعای صاحبی و شبانی این خلق برداشته به کناری روند و ملک را به مالک و گله را به شبان و راعی حامی غالب قاهر مقتدر واگذارند.» (۷۴)

در بین نامه‌هایی که جناب نبیل اکبر به یاران بهائی نگاشته برخی به زبان فارسی و بعضی به عربی است مکتوب خطاب به جناب میرزا عطاءالله طیب حاوی مضامین ادبی و دارای اصطلاحات طبّی مناسب با حرفه شخص مخاطب است از جمله با اشاره ادیبانه نامه جناب طیب را چنین تصویر کرده است «الحق نسخه جامعه بود ناسخ امراض و دافع اسقام و أعراض، قلب مهجور را صحت کامل عطا فرمود و صدر معلول را شفای عاجل مبدول داشت.» (۷۵)

مکتوب خطاب به جناب میرزا حسین از آباده که از عارضه چشم شفا یافته بود، نمونه زیبای دیگری از شیوه نامه‌نگاری و تناسب عبارات با حالات مخاطب نامه است «از بشارت استقامت حالت چشم آن محبوب چشم جان روشن و حدقه عرفان منور و گلشن شد... به درگاه مقصود استغاثه... نمود که از مشرق الانوار عنایت به کوری چشم دشمنان چشم آن جناب را نوری و قلوب محبان را به روشنی دیده آن نور دیده بهجت و سروری عطا فرماید.» (۷۶)

در مصابیح هدایت متون سه فقره دیگر از مکاتیب فاضل قائنی نقل شده که به جناب نبیل اعظم (۷۷) به جناب ورقا (۷۸) و جناب حاجی میرزا ابوالحسن اردکانی (۷۹) خطاب شده و قسمت اعظم آنها به عربی است و حاوی اشواق و تحیات قلبیه و تعارفات دوستانه است.

در همان کتاب نوشته دیگری از جناب نبیل اکبر تحت عنوان «معاهده نامه که در باب اتحاد نفوس خادمه به امرالله نوشته شده» نقل گردیده است. (۸۰)

شایان یادآوری است که جمال اقدس ابھی در الواحی که به اعزاز جناب نبیل اکبر نازل شده در موارد متعدّد آن نفس جلیل را به تشویق یاران به اتحاد مأمور فرموده‌اند. شاید با الهام گرفتن از این الواح مبارکه بوده که به تنظیم این «معاهده نامه» اقدام کرده است. جناب فاضل در مقدمهٔ این نوشته ضمن اشاره به مقصد اساسی امر «که اتحاد اهل عالم و ائتلاف بنی نوع آدم» است حصول این مقصود را منوط و معلق به اتحاد اولیای امر دانسته و اعلام نموده که «لذا... این عباد که... به خدمت امر منتسب شده‌ایم... متعهد و ملتزم شدیم که حبا لجمال الله و اجراء لامره و انفاذا لحکمه با یکدیگر در خدمات امریه متفق و متحد باشیم «جناب فاضل در این مقام به اعلام این تعهد اکتفا نکرده بلکه با بینش وسیعی که داشته پیشنهاد عملی دربارهٔ نحوهٔ مشاوره از طریق ملاقات یا مکاتبه و توسّل به رأی اکثریت، در زمانی که هنوز تشکیلات امر تأسیس نشده و دقایق مربوط به امر مشورت تعیین نگشته بود، ارائه نموده است که سبب اعجاب و شگفتی است در اینجا شاید بی‌تناسب نباشد که قسمتی از این نوشته نقل شود: «... در همه امور امریه با یکدیگر مشاور و از هم معتضد باشیم و به اقتضات و وقتیّه بعضی متوقّف در پاره‌ای بلاد و بعضی سایر و دائر به مقتضای مشاوره با یکدیگر و در صورت مبادعت رشته اخبارات و اطلاعات و استشارات به یکدیگر متصل باشد...» (۸۱)

با یک نظر سطحی و مختصر به نامه‌های جناب شیخ محمد قاضی جهات مشترکی در تمام آنها مشاهده می‌شود که ما را با روحیات و افکار آن فاضل جلیل بیشتر آشنا می‌کند. این جهات مشترک را که تقریباً در اغلب مراسلات آن نفس جلیل به عبارات مختلف دیده می‌شود می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

جهات مشترک در مراسلات به نفوس غیربھائی

- ۱- اعلان صریح امر و اثبات حقانیت آن.
- ۲- اظهار گله و شکایت به صراحت بیان.
- ۳- تصویر آشکار فساد تشکیلات دینی و دولتی.
- ۴- دادخواهی و دفاع از حقوق مسلوبه از خود و مؤمنین دیگر.
- ۵- توصیف استقامت مؤمنین در برابر مصائب و بلاهای وارده به عنوان دلیل حقانیت امر بدیع.
- ۶- نشان دادن قدرت و بی‌باکی در برابر معاندین.
- ۷- الزام معاندین و معارضه به مثل.
- ۸- استفاده از اشعار و ضرب‌المثل‌های مناسب در بیان مطلب.
- ۹- بیان مصائبی که اولیای الهی در تمام اعصار از اشرار زمان دیده‌اند و اشاره به فرار آنها از دست معاندین.

جهات مشترک در مکاتبات با دوستان بھائی

- ۱- بیان مراتب ارادت و خضوع و خشوع در برابر دوستان و شکایت از دوری و مفارقت از آنان.

- ۲- استفاده از مضامین ادبی در بیان مطلب و نمونه‌های زیبایی از نامه‌نویسی که در دنیای امروز با متداول شدن نامه‌نگاری الکترونیک کمتر دیده می‌شود.
- ۳- استفاده از اصطلاحات بدیع در تناسب با حرفه و احوالات گیرنده نامه.
- ۴- استفاده از اشعار و ضرب‌المثل‌های مناسب در بیان مطلب.

آثار منظوم جناب فاضل قائی

جناب نبیل اکبر علاوه بر تألیفات و منشآت متعدد آثاری هم به نظم دارد که در تذکره شعرای قرن اول بهائی تألیف نعمت‌الله ذکائی بیضائی به چند فقره از آنها اشاره شده است. (۸۲)

- ۱- قصیده تائیه که شرح آن در قسمت دیگری از این مجموعه آمده است.
- ۲- قصیده‌ای به لسان عربی که شصت و پنج بیت از آن در کتاب کواکب الدرّیه (۸۳) نقل شده به قرار نوشته این کتاب این اثر منظوم در اثبات شمس بها تنظیم شده و ناتمام است و با دو بیت زیر آغاز می‌شود:

لاح شمس البهاء بقطب ضحیها واهتدی کل مهتدی بهداها
مره لاحت عن قمیص علی تلك اولی و هذه اخریها

- ۳- نامه منظوم در ۳۱ بیت که به جناب ورقا خطاب و به تبریز ارسال شده و در مصابیح هدایت نقل گردیده است در این نامه جناب نبیل اکبر بیان می‌کند که در زمان اقامت در تبریز گرچه از جور و جفای تبریزیان در امان نبوده ولی به مصاحبت جناب ورقا دلخوش بوده است.

در این مقام چند بیت از این نامه منظوم به عنوان نمونه به نقل از کتاب مصابیح هدایت ذکر می‌شود (۸۴):

از گلستانت چو بلبل دور شد خود تو می‌گفتی هر آنچه گفته شد
تا که طبعم از قفس پرواز کرد از گلستانت چو پیران گشته‌ام
از جفا و جور آن تبریزیان گر چه در تبریز بودم در قفس
لیک بودم شاد در ظلمات غم تا ز ظلمات و غم او رسته‌ام
می‌زند دل با همه آن آزمون ناله ربّ ارجعونی ساز کرد
هر زمان بودی مرا رنج و زیان لیک بودم با تو جفت و هم نفس
ز آب حیوان لقایت بیش و کم ناله ربّ ارجعونی ساز کرد
از فراق آب حیوان خسته‌ام ناله ربّ ارجعونی ساز کرد

- ۴- منظومه مثنوی که طبق مندرجات تذکره شعرای قرن اول بهائی حاوی ۳۷۸ بیت به زبان فارسی است و به مثنوی روز و شب معروف است.

در اینجا به ذکر اییاتی چند از این منظومه به نقل از تذکره شعرای قرن اول بهائی (۸۵) اکتفا می‌شود.

مغتم دان قدر این شبهای راز که بود خلوتگه آن بی‌نیاز
وصف این شب را اگر من بشمرم تا قیامت ناتوان و قاصر م

در شب انسان احسن التَّقْوِيم شد
نقطهٔ اولی به شب اولی شده
مبعث و مولود او هر دو بشب
ربّ ابهی هم بشب آمد ولید
چشم عالم اینچنین شب را ندید
روز و شب هر یک بود ضدّ دگر
روز آمد کاشف اسرارها
روز رویاند عمل را چون بهار

در شب انسان مظهر تکریم شد
اصفیا را ربّی الاعلی شده
زین دو شب ذرات عالم در طرب
دعوتش هم شب بمحبوبان رسید
روی جمله روزها زین شب سفید
آن یکی شد پرده دار این پرده در
روز باشد هاتک استارها
روز پیدا آورد گل را زخار

مآخذ و یادداشت‌ها

- ۱- حضرت عبدالبهاء - تذکرةالوفاء، ص ۶- چاپ حيفا سال ۱۹۲۴
- ۲- خوشه‌هائی از خرمن ادب و هنر، شماره ۷، ص ۵۶، لندگ سوئیس
- ۳- اسرار الآثار، جلد ۵، ص ۲۱۲- اسداله فاضل مازندرانی-موسسه مطبوعات امری-طهران ۱۲۴ بدیع
- ۴- حضرت عبدالبهاء - تذکرةالوفاء، ص ۱۰.
- ۵- قرن بدیع-حضرت ولی امرالله، ص ۳۹۲- مؤسسه معارف بهایی به لسان فارسی-۱۴۹ بدیع
- ۶- ذکائی بیضائی، نعمت الله - تذکرة شعراى قرن اول بهائى، جلد ۴، ص ۲۶۸-موسسه مطبوعات امری-طهران ۱۲۹ بدیع
- ۷- عباس امانت Resurrection and Renewal ، ص ۴۲۴ و ۴۴۲. London
- ۸- عزیز الله سلیمانی - مصابیح هدايت جلد اول، ص ۵۰۵-موسسه مطبوعات امری-طهران ۱۲۱ بدیع
- ۹- مآخذ بالا، ص ۴-۴۹۳.
- ۱۰- میرزا جانی از تجار معروف کاشان بود که در ایام اولیّه دور بیان به وسیله جناب باب الباب فائز به ایمان شد و متعاقب حادثهٔ سوء قصد به شاه به شهادت رسید.
- ۱۱- حضرت عبدالبهاء - لوح مبارک خطاب به حضرات ایادی امرالله در طهران به نقل از خوشه‌هائی از خرمن ادب و هنر نمرة ۷، ص ۹۱، نشر آلمان (عصر جدید).
- ۱۲- میرزا حسین همدانی مردی ادیب و زبان‌دان بود که پس از رهائی از زندان (به علت ایمان به امر مبارک) به سمت منشی مانکجی صاحب خدمت می‌کرد.
- ۱۳- روح الله مهربانانی - زندگانی میرزا ابوالفضائل گلپایگانی، ص ۶۲-طهران-موسسه مطبوعات امری ۱۳۱ بدیع
- ۱۴- عزیز الله سلیمانی- مصابیح هدايت، جلد اول، ص ۴۹۴.
- ۱۵- بر طبق نسخه موجود در ارض اقدس(ویراستار)
- ۱۶- دکتر نصرت الله محمد حسینی- کتاب «حضرت باب»، ص ۴۷-مؤسسه معارف بهایی به لسان فارسی ۱۵۲ بدیع
- ۱۷- تاریخ بدیع بیانی، ص ۱۳۸-سواد عکسی از نسخه خطی.
- ۱۸- مآخذ بالا، ص ۱۳۸.
- ۱۹- مآخذ بالا، ص ۴۹۴.
- ۲۰- مآخذ بالا، ص ۵۴.
- ۲۱- مآخذ بالا، ص ۸۵.
- ۲۲- مآخذ بالا، ص ۳۷۶.
- ۲۳- مآخذ بالا، ص ۲۱۰.
- ۲۴- مآخذ بالا، ص ۴۰۶.

- ۲۵- مأخذ بالا، ص ۸-۲۲۶.
- ۲۶- مأخذ بالا، ص ۸۲.
- ۲۷- مأخذ بالا، ص ۸۶.
- ۲۸- مأخذ بالا، ص ۴-۱۹۳.
- ۲۹- مأخذ بالا، ص ۳۶۹.
- ۳۰- مأخذ بالا، ص ۴۰۰.
- ۳۱- مأخذ بالا، ص ۲۲۳.
- ۳۲- مأخذ بالا، ص ۲۷۹.
- ۳۳- مأخذ بالا، ص ۳۷۷.
- ۳۴- مأخذ بالا، ص ۵۴-۶۲.
- ۳۵- نبیل زرنندی، مطالع الانوار، ص ۴۸-لجنه ملی نشر آثار امری-طهران ۱۲۳ بدیع
- ۳۶- حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع ص ۴۳.
- ۳۷- دکتر نصرت الله محمد حسینی، حضرت باب، ص ۱۹۵.
- ۳۸- فاضل مازندرانی - ظهور الحق، جلد ۳، ص ۱۱۶-مؤسسه ملی مطبوعات امری- طهران.
- ۳۹- عباس امانت، Resurrection and Renewal، ص ۱۶۶.
- ۴۰- تاریخ بدیع بیانی - ص ۱۶۵.
- ۴۱- حضرت عبدالبهاء - مقاله شخصی سیاح، ص ۱۰-مؤسسه ملی مطبوعات امری-طهران ۱۲۹ بدیع.
- ۴۲- حضرت ولیّ امرالله - قرن بدیع، ص ۵۵.
- ۴۳- نبیل زرنندی - مطالع الانوار، ص ۱۶۰.
- ۴۴- فاضل مازندرانی - ظهورالحق، جلد ۳، ص ۴۶۴.
- ۴۵- حضرت بهاءالله - به نقل از مائده آسمانی جلد ۴، ص ۱۵۴، اصل بیان مبارک چنین است: «حضرت میسر یعنی نقطه اولی روح ماسواه فداه در ایام توجه به ماکو برحسب ظاهراً مستوراً عن الكلّ بشرف لقا فانز»-مؤسسه ملی مطبوعات امری-طهران ۱۲۹ بدیع.
- ۴۶- تاریخ بدیع بیانی، ص ۲۶۱.
- ۴۷- نبیل زرنندی - مطالع الانوار، ص ۴۹۱.
- ۴۸- حضرت عبدالبهاء - به نقل از لوح مبارک که در جواب به سؤالات جناب شکوهی اهل شیراز صادر شده است.
- ۴۹- تاریخ بدیع بیانی، ص ۳۳۸.
- ۵۰- حضرت عبدالبهاء - مقاله شخصی سیاح، ص ۲۵.
- ۵۱- حضرت ولیّ امرالله - قرن بدیع، ص ۷۶.
- ۵۲- نبیل زرنندی- مطالع الانوار، ص ۳۱۹.
- ۵۳- فاضل مازندرانی - ظهورالحق، جلد ۳، ص ۱۱.
- ۵۴- تاریخ بدیع بیانی، ص ۳۳۸.
- ۵۵- حضرت عبدالبهاء - مقاله شخصی سیاح، ص ۲۵.
- ۵۶- حضرت ولیّ امرالله - قرن بدیع، ص ۷۶.
- ۵۷- نبیل زرنندی - مطالع الانوار، ص ۳۱۹.
- ۵۸- مأخذ بالا، ص ۳۲۰.
- ۵۹- کواکب الدرّیه، جلد اول، ص ۲۲۴-عبدالحسین آواره-قااهره-۱۹۲۳
- ۶۰- محمد علی فیضی - حضرت نقطه اولی، ص ۹-۲۸۸-طهران ۱۳۱ بدیع.
- ۶۱- عباس امانت، Resurrection and Renewal، ص ۳۹۰.
- ۶۲- تاریخ بدیع بیانی، ص ۳۶۷.
- ۶۳- حضرت عبدالبهاء، مقاله شخصی سیاح، ص ۵۷.

- ۶۴- حضرت ولسی امرالله - قرن بدیع، ص ۱۳۶.
- ۶۵- نیبل زرنندی- مطالع الانوار، ص ۵۴۸.
- ۶۶- محمد علی فیضی - حضرت نقطه اولی، ص ۳۴۳.
- ۶۷- کواکب الدرّیّه، جلد اول، ص ۲۵۲.
- The Dawn-Breakers, introduction p. XXXVI-XXXVII Baha'i Publishing Trust, Willmette, Illinois-۶۸
- ۶۹- عزیز الله سلیمانی - مصابیح هدایت، جلد اول، ص ۴۷۰.
- ۷۰- مأخذ بالا، ص ۴۷۵.
- ۷۱- مأخذ بالا، ص ۴۶۶.
- ۷۲- مأخذ بالا، ص ۴۷۷.
- ۷۳- مأخذ بالا، ص ۵۰۲.
- ۷۴- مأخذ بالا، ص ۵۱۴-۸.
- ۷۵- مأخذ بالا، ص ۵۲۲.
- ۷۶- مأخذ بالا، ص ۵۲۳-۴.
- ۷۷- مأخذ بالا، ص ۵۳۱.
- ۷۸- مأخذ بالا، ص ۵۲۴.
- ۷۹- مأخذ بالا، ص ۵۳۷.
- ۸۰- مأخذ بالا، ص ۵۲۸.
- ۸۱- مأخذ بالا، ص ۵۲۹-۳۰.
- ۸۲- نعمت الله ذکائی بیضائی - تذکره شعرای قرن اول بهائی، جلد ۴، ص ۲۶۹.
- ۸۳- کواکب الدرّیّه، جلد اول، ص ۴۲۳.
- ۸۴- عزیز الله سلیمانی - مصابیح هدایت، جلد اول، ص ۵۳۹.
- ۸۵- نعمت الله ذکائی بیضائی - تذکره شعرای قرن اول بهائی، جلد ۴، ص ۲۷۹.